**نهی از قتل عمدی**

**حضرت بهاءالله:**

1 - " قد حُرِّمَ عليكم القتل ... " (كتاب اقدس – بند 19)

2 - " ومن قتل نفسا عامِدًا فاقتلوه خذوا سنن الله بأيادي القدرة والاقتدار ثمّ اتركوا سنن الجاهلين õ وإن تحكموا لهما حبسا أبديّا لا بأس عليكم في الكتاب إنّه لهو الحاكم على ما يريد " (كتاب اقدس - بند 62)

3 - " لا يعترض أحد على أحد ولا يقتل نفس نفسا هذا ما نهيتم عنه في كتاب كان في سُرادق العزّ مستورا õ أتقتلون من أحياه الله بروح من عنده إنّ هذا خَطَأٌ قد كان لدى العرش كبيرا õ اتّقوا الله ولا تَخْرِبُوا ما بناه الله بأيدي الظّلم والطّغيان ثمّ اتّخذوا إلى الحقّ سبيلا" (كتاب اقدس – بند 73)

4 - " قل يا قوم اتّقوا الله ولا تسفكوا الدّماء ولا تتعرّضوا مع نفس وكونوا من المحسنين "

(آثار قلم اعلى، جلد 4 سورة البيان، ص 113)

5 - " إيّاكم أن تسفكوا الدّماء والّذي سفك إنّه ليس منّي وكان الله بريئًا منه " (كتاب بديع)

6 - " إنّ الّذين يسفكون الدّماء ويأكلون أموال النّاس بالباطل نحن برئٌ منهم ونسأل الله أن لا يجمع بيننا وبينهم لا في الدّنيا ولا في الآخرة " (آثار قلم اعلى، جلد 1، سورة الهيكل ص 60)

7 - " إيّاكم أن لا تسفكوا الدّماء أن أخرجوا سيف اللّسان عن غمد البيان لأنّ به يفتح مداين القلوب وإنّا رفعنا حكم القتل بينكم لأنّ رحمتي سبقت الممكنات إن أنتم تعلمون " (سوره هيكل، آثار قلم اعلى، جلد 1)

8 - " بگو ای احبّای الهی فخر شمابکشتن نفوس نبوده بلکه فخر در احيای نفوس پژمرده بوده . جهد نمائيد تا از سلسال کوثر بی مثال حضرت لايزال نفوس پژمرده را زنده نمائيد و حيات بخشيد . اينست شأن احبّای حقّ "

(ص ٣٦ ج ٨ مائده آسمانی ط ١٢١ بديع)

9 - " بگو قتل نفس دليل مردی ومردانگی نيست . اگر قادريد نفوس پژمرده و مرده را بنفحات رحمانيّه تازه و زنده نمائيد . يک ثعبان هزار انسان را بسمّ خود هلاک نمايد و اين قدرت سبب فخر ثعبان نبوده و نخواهد بود بلکه سبب شده که مبغوض قلوب گشته .خوشا حال نفسی که باصلاح برخيزد و سبب اتّحاد و اتّفاق شود نه علّت طلاق و نفاق "

(ص ٣٦ ج ٨ مائده آسمانی ط ١٢١ بديع)

10 - " قسم بآفتاب فجر توحيد که اگر احبّای الهی کشته شوند نزد اين عبد محبوب تر از آنست که بنفْسی تعرّض نمايند. بگو ای عباد جمال رحمن لِاَجْلِ احيای عالَم و اتّحاد اهل آن ظاهر شده نه از برای تفريق و سفک دماء " (ص ١٩٣ ج ٣ امر و خلق)

11 - " قسم بجمالم که اگر احبّايم کشته شوند بهتر است از سفک دم نفْسی " (ص ٢٥ ج ٣ توقيعات مبارکه ٤٨- ١٩٢٢)

12 - " بالمرّة حُکم قتل در الواح بديع ممنوع شده ... قسم بآفتاب افق تقديس که اگر احبابم کشته شوند محبوب تر است نزد اين عبد از سفک دم نفسی " (ص ١٩٢ ج ٣ امر و خلق )



**بیت العدل:**

1 - " حضرت بهاءاللّه فرموده‌اند که قتل نفس و حرق بيوت به طور عمد مجازاتش اعدام است ، هر چند به جای اعدام حبس ابد نيز مجاز است (يادداشت ٨٧) . حضرت عبدالبهاء در آثار مبارکه فرق بين مجازات و انتقام را بيان و می فرمايند : انّ البشر ليس له حقّ الانتقام لانّ الانتقام امر مبغوض مذموم عنداللّه ولی مقصد از مجازات انتقام نيست بلکه اجرای حکم در حقّ مجرم است چنانکه در کتاب مبارک مفاوضات تأييد می فرمايند : هيأت اجتماعيّه حقّ قصاص را از مجرم دارند و اين قصاص به جهت ردع و منع است . حضرت وليّ امراللّه در اين باره در توقيعی که حسب الامر مبارک صادر گشته چنين توضيح می فرمايند : در کتاب مستطاب اقدس حضرت بهاءاللّه مجازات قتل را اعدام مقرّر فرموده‌اند . امّا به جای آن حبس ابد را نيز اجازه داده‌اند و هر دو با احکام مبارک تطابق دارد. ممکن است بعضی از ما با بينش محدود خود حکمت بالغه اين حکم را درک ننمائيم ، ولی بايد آن را بپذيريم و بدانيم که مراتب حکمت و رحمت و عدالت مُنزل آن کامل و فی الحقيقه کافل نجات اهل عالم است . اگر نفسی سهواً محکوم به مرگ گردد ، آيا نبايد معتقد بود که خداوند مقتدر و توانا چنين بی عدالتی در اين جهان را هزاران برابر در جهان ديگر جبران فرمايد . البتّه نميتوان به خاطر اين احتمال نادر الوقوع که ممکن است يک فرد بی گناه سهواً مجازات شود از اين حکمی که نفعش به عموم راجع است صرف نظر کرد . (ترجمه) جمال اقدس ابهی جزئيّات مجازات قتل و حرق را که به هيأت اجتماعيّه آينده تعلّق دارد نازل نفرموده‌اند . فرعيّات اين احکام، از قبيل اينکه درجات جرم تا چه حدّ است و آيا بايد عوامل مؤثّر در تخفيف جرم را منظور داشت ، و کدام يک از دو نوع مجازات بايد مجری گردد کلّاً به بيت العدل اعظم محوّل گشته که با ملاحظه شرايط زمان در وقت اجرای حکم تصميمات لازم را اتخاذ نمايند . نحوه اجرای حکم نيز به بيت العدل اعظم راجع است . در مورد حرق ، حدّ مجازات وابسته به اين است که چه مکانی مورد حرق قرار گرفته است . بدون شک مجرمی که انباری خالی را آتش زند و کسی که مدرسه‌ای پر از کودک را بسوزاند درجات جرمشان تفاوت بسيار دارد . (كتاب اقدس – شرح 86)

2 - " در جواب سؤالی از اين آيه کتاب مستطاب اقدس حضرت وليّ امراللّه تصريح فرموده‌اند که گر چه به حکم کتاب قاتل را ميتوان اعدام نمود ولی به جای آن حبس ابد نيز جايز است و به اين وسيله از شدّت مجازات به مراتب کاسته می شود . همچنين می فرمايند که جمال مبارک حقّ انتخاب بين اين دو حکم را عنايت فرموده و جامعه بشری را مختار ساخته‌اند که با در نظر گرفتن جوانب اين حکم آنچه مقتضی باشد مجری دارد . چون دستورات صريح و مشخّص در باره تنفيذ اين حکم موجود نيست لهذا در آتيه تشريع قوانين مربوط به اين امر به بيت العدل اعظم راجع است . " (كتاب اقدس – شرح 87)

